

دماوند من کو؟

عاطفه گرگین

• "دماوند من کو" زندگی ی پری برکشلی موزیسین را روایت می کند که می توانست در سرزمینش بماند و بدرخشد، اما بدلیل دگرگونی اجتماعی- عاطفی که رنجش می داد، وطنش را به قصد تبعید ترک کرد و در تبعید ماند، اما رنج عا طفی ترکش نکرد. ...

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com
شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۴ - ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶



شهروند فرانسوی ام، پیانیستم و کنسرتیست، استاد پیانو و رئیس یک کنسرواتوار در فرانسه هستم . اما اصل و نسبم ایرانیست.
پانزدهم ژانویه ۲۰۱۶ در پاریس کتاب دماوند من کو اثر خانم

که توسط انتشارات L'HARMATTAN نشر یافته است.

توسط

تعدادی از جوانان فرهنگ دوست ایران می شود، با حضور و صحبت نویسنده کتاب، خانم پری برکشلی موزیسین و موسیقی دان برجسته ایرانی برگزار شد .
این نوشته کوتاه، صحبت و نظری است، از من و خانم پری برکشلی بمناسبت نشر کتاب ایشان .
خانم پری برکشلی فرزند دکتر مهدی برکشلی است، موسیقی دان و فیزیکدان و یکی از اساتید اکوستیک و رئیس دانشکده ی فیزیک دانشگاه تهران . وی در ۱۲ سالگی اولین کنسرت خود را در تالار فرهنگ ایران با موفقیت برگزار نمود ، و هنوز دوره دبیرستان خود را به پایان نرسانده بود که برای اجرای کنسرتی راهی پاریس شد ، و بدین گونه بود که این هنرمند جهان موسیقی ، به اکادمی مارگرت لونگ و کنسرواتوار عالی موسیقی پاریس راه یافت و پس از سالها آموختن در کنسرتی در پاریس جایزه ی بهترین اجرا کننده باخ را در عالم موسیقی نسیب خود نمود و از این پس یکی از ستاره های عالم موسیقی کلاسیک شد .

خانم بر کشلی شما در کتابتان نوشته اید و امشب هم آن را روایت کردید که وقتی بعنوان مهاجر به فرانسه آمدید ، می دانستید که مشکلات روزمره وجود خواهد داشت ، و خودتان را برای آن از قبل آماده کرده بودید ، اما احساسی که بیشتر گریبانتان را گرفته بود و ناراحتتان می کرد و هنوز هم از سر شما دست بر نداشته این احساس بوده و هست که وقتی وطن را ترک کردید احساس کردید کودکی هستید که پدر و مادر تصمیم به راندن او از خانه می گیرند و روزی به او می گویند از خانه برو دیگر تو را نمی خواهیم .

شما فکر نمی کنید که اکنون همان پدر و مادری که روزی در شما چنین احساسی تلخ بوجود آوردند امروزه اگر به خانه بازگردید با شوق و اشتیاق شما را پذیرا خواهند شد ؟

- تا زمانی که سردمداران رژیم اسلامی ایران طرز فکر و نحوه برخوردشان را با حقوق بشر در کل و بخصوص حقوق زنان تغییر ندهند و بخواهند در رشته های مختلف هنری کلا و خصوصا در موسیقی حد و حصر بکشند و محدودیت وسانسور را جایگزین آزادی اندیشه و خلاقیت کنند، فکر نمیکنم در این خانه جایی یا اشتیاقی برای پذیرایی من و امثال من وجود داشته باشد.
آیا فکر می کنید هنر مندان نسل ما که به اجبار و یا به اختیار ترک وطن کرده اند از لحاظ فرهنگی دیگر جایی در خانه پدری ندارند ؟

- معتقدم هنرمندان این نسل کار خود را می کنند و به فعالیت های هنری خود ادامه می دهند. این خانه پدری یا ایران امروز نیست که پذیرای هنر وهنرمندان نیست. طبیعتا منظورم از ایران امروز مسوولین رژیم اسلامی است نه مردم که همواره هنرمندانشان را گرمی می داشته اند.

دماوند من کو تما ما داستان زندگی گذشته شما است ، در باره امروز چه می گوید از زندگی هنری امروزتان راضی هستید ؟ دنیای دگرگون شده و پر شر و شور امروز چه تاثیری بر موسیقی بطور کلی و بر موسیقی کلاسیک که کار حرفه ای شما است خواهد گذاشت ؟

-من امروز از زندگیم راضیم، نه گله ای دارم، نه تاسفی، ونه اندوهی. ضمن اینکه معتقدم آنچه اتفاق می افتد انقدر مهم نیست که عکس العملان نسبت به ان. منظورم اینست که در هر شرایطی هر کس زندگی را خودش میسازد و بیش از هر عامل دیگری، خودش مسوول انست .

-در مورد موسیقی کلاسیک و دنیای پر شر و شور فعلی باید بگویم که هنر بیان کننده ارزش ها، معیارها، تمایلات یا کشش های زمان خود است. بنابراین آنچه از خوب و بد ومتوسط وغیره... درین دنیا می بینیم، همه در هنر امروز متبلور است.

چاپ کن

نظرات (۰)

نظر شما

اصل مطلب

هنرمند باید متعهد باشد و یا هنر برای هنر کافیست؟ اصلا هنر چیست و هنرمند کیست؟

- هنرمند، به عنوان هنرمند، تعهد خاصی ندارد. همه متعهدند، حتی آنها که ادعای بی تعهدی می کنند. فقط باید دید تعهد به چه یا به که. بین سیاه و سپید نوانس های فراوانیست و ما هر یک در نقطه ای ازین نوانس ها می استیم و خود را به ان متعهد می کنیم. نهایتا اینکه یکی به ظالم خود را متعهد می داند، یکی به مظلوم، ضمن اینکه بین این دو نهایت متضاد نقاط بی شماری هم وجود دارد. - هنر زبان خاصیست که زندگی را در شکل های مختلف ان، خیالی، واقعی، سبک بال، سنگین، عمیق، سطحی و... بیان میکند و هنرمند کسی است که این زبان را می داند و به ان حرف می زند.

.....

دماوند من کو زندگی موزیسینی را روایت می کند که می توانست در سرزمینش بماند و بدرخشد ، اما بدلیل دگرگونی اجتماعی ، عاطفی که رنجش می داد ، وطنش را به قصد تبعید ترک کرد و در تبعید ماند ، اما رنج عا طفی ترکش نکرد ، و در هوای ابری پاریس هنوز در جستجوی هوای آفتابی سرزمینش میگردد ، اگر چه خود را در تبعید موفق و خوشبخت می داند.

خانم برکشلی می نویسند و می گویند ، هنگامی که پیش از ترک ایران به دوری از سر زمین خود می اندیشید، در ذهنش تنها جنبه مادی آن آشکار می شد و به آن فکر می کرد، که با دشواری هایی روبرو خواهد شد اما تصور نمی کرد که از لحاظ معنوی و عاطفی چنان کم کسری هایی نسبیش گردد ، با توجه به اینکه من تحصیلاتم را در این سرزمین — فرانسه — انجام داده بودم ، گمان می بردم بعنوان یک مهاجر ، مهاجر خوشبختی خواهم بود .

بهر روی در پانزدهم ژانویه ۲۰۱۶ در کافه لیت پاریس سخنان موزیسین نامدار ما خانم پری برکشلی از دل برخاست و بر دل نشست ، او در باره تبعید می گوید ، « از نظر من که یک هنر مندم ، هنر مایه زندگی ست ، فکر را باز می کند و احساس را پرورش می دهد » و مهمترین درس تبعید اینست که انسان متعلق به دنیاست و دنیا متعلق به همه است . مرز مانند خط میزان در موسیقی است که دیدن و خواندن را آسان می کند ، اما جمله موسیقی از جایی آغاز می شود و به جایی ختم می شود و از چندین خط میزان عبور می مند .

اگر عضو یکی از شبکه های زیر هستید می توانید این مطلب را به شبکه ی خود ارسال کنید:

[Facebook](#) [Delicious](#) [Twitter](#) [دنباله](#) [Google](#) [Yahoo](#) [بالاترین](#)

[بازگشت به صفحه نخست](#)